

## به نام یگانه عالم

### پیشگفتار مترجم

#### حرف اول

در وجه کلی، زبان هنرمند تنها زبان بین‌المللی است که تاکنون اختراع شده است. بهره‌یابی زیبایی‌شناختی از دستاوردهای معمار، نقاش، سفالگر و سایر هنرورزان برای تمامی انسانهای روی زمین - چه انسان آسیایی و چه انسان اروپایی و غیره - به طور یکسان فراهم است. حال اگر این بهره‌یابی زیبایی‌شناختی با تفسیرهای علمی و آکادمیک کارشناسان امر ترکیب یابد، طبیعتاً تأثیری دوچندان در پی خواهد داشت. این حکم در خصوص هنرهای تمامی تمدنها و از جمله هنرهای اسلامی نیز مصداق دارد. این حقیقت را باید پذیرفت که غربیان پیشتر و بیشتر از مسلمانان توجه خود را به هنرهای اسلامی و بررسی و مطالعه آن معطوف کرده‌اند و در این قلمرو سنت‌گذار تحقیقات آکادمیک شده‌اند. محققان و مجموعه‌داران غرب از سده هیجدهم به باستانشناسی جهان اسلام علاقه نشان دادند و این کار را از سکه‌شناسی شروع کردند و به شاخه‌های دیگر باستانشناسی و کلاً هنر و معماری اسلامی تعمیم دادند. این رشته از تحقیقات بتدریج در کشورهای مختلف اروپایی پیگیری و قاعده‌مند شد و علاقه افرادی از پژوهشگران را برانگیخت. ماکس وان برخم سویسی، گاستن ویه و ژان سواژه و بلوشه فرانسوی، هرتسفلد و زاره و کونل آلمانی، تامس آرنولد و کرسول انگلیسی و افرادی دیگر از جمله کسانی بودند که در این وادی به مطالعه و پژوهش پرداختند و کتابها و مقاله‌های زیادی منتشر کردند و نسلهای بعد هم راه آنها را به کمال پیمودند و آثاری در خور پدید آورند.

در کنار این کوشندگیها، بر حجم آثار شرقی و اسلامی در موزه‌های غربی افزوده

شد. مجموعه‌داران غربی به گردآوری آثار اسلامی پرداختند. کانونهای بررسی هنر و معماری اسلامی در ممالک غربی و امریکایی برپا شد. بررسیهای باستانشناسی شکل و شیوه تازه و حد و حجم قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. مراکز گوناگون باستانی جهان اسلامی مورد حفاری و کاوش قرار گرفت. نمایشگاههایی از آثار اسلامی، و در کنار آن کنگره‌هایی در ممالک مختلف و حتی خود ممالک جهان اسلام، برپا شد و انگیزه‌ای مضاعف به پژوهشهای هنر اسلامی بخشید. تدریس هنر و معماری اسلامی یکی از شاخه‌های معتبر دانشگاههای اروپا و امریکا شد و این بخش از علوم و فنون منزلت و ویژه خود را به دست آورد، و شاخه‌های تخصصی گوناگونی از دل آن سربرکشید و علاقه‌مندان را به خود فراخواند.

هر چه زمان می‌گذشت بر پیچیدگی مطالعات هنر و معماری اسلامی افزوده می‌شد و پیدایش یافته‌ها و آثار جدید، بررسیهای غنی‌تر و پربارتر از پیش بار می‌آورد و یکی از همین آثار کتاب حاضر است که آخرین دستاورد کامل و جامع درباره هنر و معماری اسلامی در دو مجلد و از انتشارات دانشگاه ییل امریکاست. جلد اول را ریچارد اتینگهاوزن و آلک گرابر، هنرشناسان و مدرسان هنر اسلامی دانشگاههای غرب و امریکا، و جلد دوم را بلر بلوم و شیلابلوم تنظیم و تألیف کرده‌اند. جلد دوم هم در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد شد. جلد اول شامل هنر و معماری اسلامی تا سده هفتم، و جلد دوم از سده هفتم تا سده بیستم است. جلد اول، دست‌کم از دو جنبه، بر پژوهشهای پیشین برتری دارد: ۱- به لحاظ جامع بودن منابع و مآخذ و بهره‌گیری سنجیده از آنها همراه با تحلیلها و استدلالهای منطقی از این اطلاعات؛ ۲- از حیث سامان‌بندی نو و شفاف و شمول آن بر جهات گوناگون جغرافیایی هنر و معماری اسلامی و درهم‌آمیزی این جهات در یک کلیت چشمگیر. این دو وجه، کتاب را در خور آن می‌کرد که به زبان فارسی هم برگردانده شود تا خوانندگان فارسی زبان نیز از کمال پژوهندگی آن بهره بگیرند.

در ترجمه تلاش کردم تا تمام توجهات و تعلقات مقرون به موضوع در نهایت دقت رعایت شود. با بهره‌گیری از کتاب ووستنفلد تواریخ میلادی را به هجری شمسی تبدیل کردم و برای پرهیز از هر نوع اشتباه، به منابع و مآخذ اصلی تاریخنگاری اسلامی رجوع نمودم. گرچه کار چاپ و انتشار این کتاب را گروه باستانشناسی «سمت» تقبل

کرد و در این راه از هر نوع تشویق و تلاش کوتاهی ننمود تا برای دانشجویان گروه باستانشناسی کتابی در خور تهیه شود، دانشجویان رشته‌های دیگر دانشگاهی از جمله دانشجویان رشته‌های هنر و تاریخ و معماری هم می‌توانند به قدر بسنده از محتوای آن بهره‌مند شوند. در اینجا از خانم سعیده کمایی فرد - ویراستار سمت - که با کمال دقت و نزاکت دست‌نویست ترجمه را از کژتابیها پالودند، تشکر می‌کنم و نیز از تمامی کارکنان فنی سمت، اعم از حروفچین و نمونه‌خوان و سایر کارکنان، که در بسامان شدن این کتاب نقشی درخور داشتند، کمال امتنان را دارم.

باقی بقایتان.

ی - آژند